



جلسه: ۱۰۴
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

منابع مالی حکومت اسلامی

منبع پنجم: جهاد مالی

پنجمین منبع از منابع مالی حکومت اسلامی، اموالی است که تحت عنوان «جهاد مالی» در اختیار آن قرار داده می‌شود. توضیح مطلب این است که در ایام گذشته و در صدر اسلام، تشکیلات مدوّن و نهادی به عنوان نیروی نظامی وجود نداشته است تا فراهم کردن مقدمات جهاد و دفاع از سرزمین‌های اسلامی را بر عهده داشته باشد، بلکه در زمان‌هایی که لازم بوده است برای حفظ امنیت و دفاع از جامعه اسلامی به جهاد پردازند، خود شهروندان لوازم مورد نیاز برای جهاد و دفاع از قبیل مرکب، شمشیر، زره و ... را تهیه کرده و برای جهاد حاضر می‌شده‌اند، اما در زمان حاضر، شرایط تغییر کرده و برای دفاع از کشورها و حفظ امنیت آن‌ها، نیروهای نظامی تشکیل شده‌اند و تجهیزات مورد نیاز نیز دچار تغییر شده و ابزارهایی همچون شمشیر، زره، نیزه و ... دیگر کارایی خود را از دست داده‌اند و تجهیزاتی همچون تانک، خمپاره و موشک و ... جایگزین شده است. بنابراین در عصر حاضر، علاوه بر وجود نیروهای نظامی که در عرصه‌ی دفاع از کشور تلاش کنند، تجهیزات خاصی نیز لازم است.

از طرف دیگر همان طور که ابتدای مباحث نظام اقتصادی اسلام مطرح گردید، یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام، حفظ امنیت و آرامش در جامعه‌ی اسلامی است و تحقق این هدف، نیازمند مجموعه‌ای از امور اقتصادی است تا حکومت اسلامی بتواند با استفاده از آن‌ها، برای حفظ امنیت شهروندان تلاش نماید. از جمله اموری که حکومت اسلامی در ارتباط با حفظ امنیت شهروندان نیاز دارد، منابع مالی است تا اقدامات لازم از جمله تولید و خریداری تجهیزات نظامی که بتواند به مقابله با متجاوزین به سرزمین اسلامی پردازد، را انجام دهد.

البته حکومت اسلامی اختیار دارد که از سایر منابع که در اختیار دارد، مانند انفال، جهت تأمین امنیت شهروندان استفاده کند، اما در عین حال، یکی از منابعی که در آیات و روایات مطرح شده، اموالی است که پرداخت آن‌ها تحت عنوان «جهاد مالی» واجب است. با توجه به این مطلب، در اسلام جهاد به دو قسم جهاد بدنی و جهاد مالی تقسیم می‌شود. در جهاد بدنی بر مسلمانان واجب است که خودشان در جنگ حضور داشته و با نفوس خود از جامعه اسلامی دفاع کنند، اما در جهاد مالی، ممکن است بر خودشان لازم نباشد که حضور داشته باشند و یا اینکه علاوه بر لزوم حضور داشتن، لازم است که از اموال خود به حکومت اسلامی پردازند تا مقدمات مقابله با دشمنان کشور اسلامی فراهم گردد.

بحث از جهاد بدنی اعم از جهاد در مقابل دشمنان خارجی و یا داخلی، در اکثر کتاب‌های فقهی مورد بررسی قرار گرفته و وجوب آن از مسلّمات فقهی است و در این مجال، به این قسم از جهاد پرداخته نمی‌شود. اما جهاد مالی از مباحثی است که همانند جهاد بدنی مورد توجه قرار نگرفته و عمده فقها از قدما تا متأخرین اصلاً بحثی تحت عنوان «جهاد مالی» مطرح نکرده و ادله‌ی آن را مورد بررسی قرار نداده‌اند. البته بحثی مطرح شده است که اگر کسی خودش به جهاد نمی‌رود، به دیگری پول بدهد تا او به جایش به جهاد برود. اما این مسئله، با لزوم جهاد مالی متفاوت است و این اقدام نیز محل بحث در اینجا نیست. بحث در این است که لازم باشد که مسلمانان اعم از اینکه خودشان در جهاد بدنی شرکت دارند و یا اینکه به عللی از قبیل کهولت سن یا بیماری، جهاد بدنی بر آن‌ها واجب نیست، از اموال خود به حکومت اسلامی پردازند تا حکومت اسلامی بتواند با اموالی که از این طریق جمع آوری می‌کند،



جلسه: ۱۰۴
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

تجهیزات مورد نیاز برای مقابله با دشمنان را فراهم کند. در این مجال به آیات و روایاتی که ممکن است برای اثبات وجوب جهاد مالی مورد استدلال قرار گیرند، پرداخته می‌شود.

اشاره به برخی از کلمات فقها

در باب جهاد مالی، تعبیری در کلام تعداد محدودی از فقها وجود دارد که ممکن است بتوان نظریه وجوب جهاد مالی را از کلمات آن‌ها استفاده کرد. اولین فقیهی که در کلمات او تعبیری به کار رفته که می‌توان وجوب جهاد مالی را از آن استفاده کرد، شیخ مفید در کتاب مقنعه است. ایشان به عنوان وظیفه حاکم اسلامی فرموده است:

فیلزمه إقامة الحدود و تنفيذ الأحكام و الأمر بالمعروف و النهي عن المنکر و جهاد الکفار و من یتحق ذلك من الفجار و یجب علی إخوانه من المؤمنین معونته علی ذلك إذا استعان بهم ما لم یتجاوز حدا من حدود الإیمان أو یكون مطیعا فی معصية الله تعالی من نصبه من سلطان الضلال^۱

بر اساس این عبارت، بر مؤمنین واجب است در صورتی که حاکم از آن‌ها درخواست کمک داشته باشد، او را کمک کنند. البته تا زمانی که حاکم از حدود ایمان تجاوز نکرده و به درستی رفتار کند.

در کلمات شیخ مفید، تنها عبارتی که پیدا شده، همین عبارت است و ممکن است گفته شود که کلام ایشان دارای اطلاق است و کمک کردن در جان و مال را شامل می‌شود. البته این احتمال هم وجود دارد که مقصود ایشان، صرف یاری رساندن بدنی و به تعبیر دیگر همان مشارکت در جهاد با نفس باشد. در صورتی که از کلام شیخ مفید اطلاق استفاده شود، ایشان اولین فقیهی است که در کلام او جهاد مالی مطرح شده و آن را واجب دانسته است. ابوالصلاح حلبی نیز فرموده است:

فصل فی الجهاد و أحكامه. یجب جهاد کل من الکفار و المحاربین من الفساق، عقوبة علی ما سلف [من] کفره أو فسقه، و منعه له من الاستمرار علی مثله بالقهر و الاضطرار، لكون ذلك مصلحة للمجاهد علی جهة القرابة إلیه سبحانه و العبادة له، علی کل رجل حر کامل العقل سلیم من العمی و العرج و المرض مستطیع للحرب، بشرط وجود داع إلیه یعلم أو یظن من حاله السیر فی الجهاد بحکم الله تعالی لكل من وصفناه من المحاربین. فان کان ذو العذر غنیا فعليه معونة المجاهدين بماله فی الخیل و السلاح و الظهر و الزاد و سد الثغر.^۲

ابوالصلاح حلبی در این عبارت بعد از اشاره به وجوب و لزوم جهاد با کفار و محاربین بیان کرده است که اگر کسی امکان حضور در جهاد نداشته باشد، بر او واجب است که مجاهدین را با اموال خود از قبیل اسب، سلاح و تدارکات یاری نماید. البته کلام ابوالصلاح حلبی اختصاص به کسانی دارد که دارای عذر هستند و خودشان نمی‌توانند در جهاد شرکت داشته باشند، اما نسبت به کسی که خودش در جهاد حاضر است، کلام ایشان ساکت است.

۱. المقنعه ۸۱۰.

۲. الکافی فی الفقه ۲۴۶.



جلسه: ۱۰۴
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

امام خمینی نیز فرموده است:

لو غشي بلاد المسلمين أو ثغورها عدوّ يخشى منه على بيضة الإسلام و مجتمعهم يجب عليهم الدفاع عنها
بأية وسيلة ممكنة من بذل الأموال و النفوس.^۱

بر اساس این عبارت، امام خمینی به صراحت بیان کرده‌اند که درت صورت وقوع هجوم نسبت به سرزمین‌های اسلامی، بر همگان واجب است که با هر وسیله‌ای که می‌توانند از سرزمین‌های دفاع کنند و لذا کسی که برای او امکان حضور وجود دارد، باید شرکت داشته باشد و کسی هم که صرفاً توان پرداخت مال دارد، باید برای دفاع از سرزمین اسلامی، از اموال خود پرداخت کند. کسی هم که علاوه بر شرکت کردن در جهاد، امکان پرداخت مال دارد، باید هر دو را انجام دهد.
مرحوم آقای خویی نیز فرموده‌اند:

الجهاد مع الكفّار يقوم على أساس أمرين: الأول: الجهاد بالنفس. الثاني: الجهاد بالمال. و يترتب على ذلك وجوب الجهاد بالنفس و المال معا على من تمكّن من ذلك كفاية إن كان من به الكفاية موجودا، و عينا ان لم يكن موجودا. و بالنفس فقط على من تمكّن من الجهاد بها كفاية أو عينا، و بالمال فقط على من تمكّن من الجهاد به كذلك.^۲

مرحوم آقای خویی به صراحت وجوب جهاد با مال را در کنار جهاد با نفس مطرح کرده و فرموده است: همان طور که جهاد با نفس برای کسانی که نسبت به آن تمکّن دارند، واجب است، جهاد با مال نیز برای کسانی که فقیر نبوده و توان داشته باشند، واجب است. بنابراین بر کسی که صرفاً دارای توان بدنی است، جهاد با نفس واجب بوده و کسی که صرفاً توان مالی دارد، جهاد با مال بر او واجب است. کسی هم که توان بر جهاد با نفس و مال دارد، هر دو بر او واجب است و کسی هم که بر هیچ کدام توان نداشته باشد، مطلقاً جهاد بر او واجب نخواهد بود.

مرحوم آقای خویی در کتاب منهاج الصالحین که کتاب فتوایی ایشان است، چند آیه و روایت در این زمینه اشاره کرده و در ادامه فرموده است: «ثم إنّ كثيرا من الأصحاب لم يتعرضوا لهذه المسألة، ولا يبعد أن يكون ذلك لوضوح الحكم، فلا يصغى إلى ما قيل من عدم وجدان قائل بوجوب الجهاد بالنفس و المال معا على شخص واحد.»^۳

تاکنون مقصود از جهاد مالی روشن گردید و به تعدادی از قائلین به آن از قدما و معاصرین نیز اشاره شد. اما صاحب جواهر در این زمینه، تعبیر «لم أعرف قائلا بوجوب الجهاد بالمال مع الجهاد بالنفس»^۴ را به کار برده و مدعی شده که قائلی پیدا نکرده است که علاوه بر جهاد بدنی، جهاد مالی را هم واجب دانسته باشد. بنابراین در نظر ایشان کسی که جهاد بدنی بر او واجب باشد، دیگر جهاد مالی بر او واجب نخواهد بود. در صفحه بعد نیز ادعای اجماع کرده است که اگر کسی خودش جهاد کند، دیگر بر او جهاد مالی واجب نیست. این در حالی است که به کلماتی از فقها اشاره شد و لذا مرحوم آقای خویی نیز بیان کرده است که اگرچه مسئله وجوب جهاد مالی مطرح نبوده، اما ادعای اینکه کسی قائل به وجوب جهاد بدنی و مالی بر یک شخص نبوده است، مسموع نیست.

۱. تحریر الوسیله ۱: ۵۱۴.

۲. منهاج الصالحین ۱: ۳۶۷-۳۶۸.

۳. منهاج الصالحین ۱: ۳۶۸.

۴. جواهر الکلام ۲۱: ۲۸.



جلسه: ۱۰۴
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

کفایي بودن جهاد مالی

درباره‌ی جهاد مالی اشاره به این نکته لازم است که همان طور که وجوب جهاد بدنی، کفایي است و در صورت تحقق من به الکفایه، وجوب از سایرین ساقط می‌شود، وجوب جهاد مالی نیز به نحو وجوب کفایي است و در صورتی که به مقدار مورد نیاز، مال پرداخت شده باشد، بر سایرین دیگر پرداخت مال واجب نخواهد بود، اما در صورتی که به مقدار لازم پرداخت مال صورت نگرفته باشد، همه‌ی شهروندان مسئول بوده و به جهت ترک آن عقاب خواهند شد. تعیین مقدار مورد نیاز نیز همان طور که در جهاد بدنی توسط فرماندهان صورت می‌گیرد، در باب نیاز مالی نیز توسط کسانی که در رأس امر قرار دارند، تعیین می‌شود و بر سایرین لازم است که در تهیه آن مقدار از منابع مالی تمام سعی خود را به کار ببرند.

در صورت وجوب کفائی جهاد مالی برای شهروندان، همانند سایر واجبات می‌شود که به هر حال بر آن‌ها لازم است که این اقدام را انجام دهند و نیازهای مالی لشکریان اسلام را تأمین کنند تا به حدی قوت یابند که نیروی نظامی آن‌ها مانع از این شود که دشمن به خود جرأت تعدی به جامعه‌ی اسلامی را بدهد و یا در صورت وقوع تعدی از سوی دشمن، لشکر مسلمانان توانایی دفاع و مقابله با آن را داشته باشد. در صورت اثبات وجوب جهاد مالی، دیگر اینکه حاکم اسلامی امکان تأمین نیازهای مالی، از راه‌های دیگر را دارد و یا ندارد، مؤثر نیست و در هر دو صورت بر مسلمانان واجب است که نیازهای مرتبط با مقابله با دشمن را مرتفع سازند الا اینکه عده‌ای اقدام به تأمین نیازها کنند که در این صورت، از سایرین ساقط خواهد شد و یا اینکه به صورت کلی حاکم اسلامی به صلاح بداند که نیازهای نظامی را از طریق منابع دیگر از قبیل انفال تأمین کند که در این صورت نیز جهاد مالی بر شهروندان جامعه اسلامی وجوب نخواهد داشت و لازم نیست که اقدام به پرداخت مال برای تأمین نیازهای نظامی کنند.

ادله وجوب جهاد مالی

برای اثبات وجوب جهاد مالی، تعدادی از آیات و روایات قابل استدلال است.

آیات

آیات قرآن کریم که ممکن است در ارتباط با وجوب جهاد مالی مورد استدلال قرار گیرند، به چند دسته قابل تقسیم هستند.

دسته‌ی اول: آیات دال بر وجوب جهاد به صورت مطلق

دسته‌ی اول از آیاتی که برای اثبات وجوب جهاد مالی قابل استدلال هستند، آیاتی است که به صورت مطلق وجوب جهاد را مطرح کرده‌اند. در این زمینه می‌توان به آیاتی اشاره کرد:

- ۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱
- ۲- يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ^۲
- ۳- وَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذِنَكَ أُولُو الطُّولِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ^۳

۱. المائدة: ۳۵.

۲. التوبة: ۷۳.

۳. التوبة: ۸۶.



جلسه: ۱۰۴
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

۴- وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ^۱

در این دسته از آیات، به صورت مطلق امر به جهاد شده است که اطلاق داشته و علاوه بر جهاد بدنی، شامل جهاد مالی نیز می‌شوند. از طرف دیگر امر ظهور در وجوب دارد؛ لذا با تمسک به این آیات، وجوب جهاد مالی اثبات می‌شود.

مناقشه

استدلال به دسته‌ی اول از آیات قرآن کریم که به صورت مطلق امر به جهاد کرده‌اند، با دو اشکال مواجه است:

اشکال اول: وقتی خطابات دالّ بر وجوب جهاد بر عرف عرضه می‌شود، وجوب جهاد بدنی را از آن‌ها می‌فهمند و جهاد مالی در ذهن آن‌ها خطور نمی‌کند؛ لذا آیات ذکر شده، منصرف از جهاد مالی هستند و در این زمینه نمی‌توانند مورد استدلال قرار گیرند.

ممکن است در پاسخ از اشکال اول گفته شود که با توجه به آیات دیگری که در آنها جهاد با مال را در کنار جهاد با نفس ذکر کرده، در عرف متشرعه دیگر امر به جهاد که به صورت مطلق ذکر شده باشد، انصراف به جهاد بدنی نخواهد داشت.

مناقشه در مطلب ذکر شده این است که برای تمسک به آیات، ظهور آن‌ها در زمان نزول باید معیار قرار گیرد و روشن نیست که این آیات در زمان نزولشان ظهور در اطلاق داشته‌اند، بلکه در آن‌ها احتمال انصراف وجود دارد؛ در حالی که برای استدلال به آیات باید اثبات شود که در زمان نزول، ظهور در اطلاق داشته‌اند که اثبات این ظهور دشوار است.

اشکال دوم: بر فرض، جهاد مالی هم از مصادیق جهاد بوده و واژه‌ی «جهاد» و مشتقات آن، در هر دو به گونه‌ای استعمال شده باشد که انصراف به جهاد بدنی صورت نگیرد، تمسک به اطلاق آیات در صورتی ممکن است که در مقام بیان بودن آن‌ها احراز شود، در حالی که اساساً آیات ذکر شده از جهت جهاد بدنی و مالی در مقام بیان نیستند، بلکه صرفاً اصل وجوب جهاد را بیان کرده‌اند.

بنابراین با استناد به آیات دسته‌ی اول، اگرچه اصل وجوب جهاد ثابت می‌شود، اما تمسک به آن‌ها برای اثبات خصوص جهاد مالی ممکن نیست.

دسته دوم: آیات مشتمل بر جهاد مالی

در طایفه‌ی دوم از آیات قرآن کریم، به صراحت به جهاد مالی اشاره شده است. در این زمینه به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

آیه اول: آیه ۴۱ سوره توبه

انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

در این آیه، به صراحت به جهاد با مال، در کنار جهاد با نفس امر شده است. از طرف دیگر امر ظاهر در وجوب است و کسی وجوب جهاد بدنی را مستحب ندانسته است. در نتیجه، جهاد مالی نیز دارای وجوب خواهد بود.

در اینجا ممکن است اشکال شود که در ادامه آیه، تعبیر «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» به کار رفته است که دلالت بر وجود رجحان دارد و از آن وجوب استفاده نمی‌شود.



جلسه: ۱۰۴
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

پاسخ این است که تعبیر «خیر» به معنای بهتر بودن و وجود رجحان غیر الزامی نیست، بلکه تعیینی است؛ کما اینکه درباره‌ی نماز جمعه نیز تعبیر «ذروا البیع ذلکم خیر لکم» به کار رفته و در عین حال دالّ بر وجوب است. علاوه بر اینکه در کنار جهاد مالی، به جهاد بدنی نیز اشاره شده است که مستحب نبودن آن واضح است و لذا مقصود از آیه‌ی شریفه، خیر الزامی بوده است.

آیه دوم: آیه ۸۱ سوره توبه

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

در این آیه‌ی شریفه بیان شده است که عده‌ای خوششان نیامده که جهاد با مال و جان کنند و به جهت اینکه به جهاد نرفته و در خانه نشستند، خوشحال بودند. نکته حائز اهمیت این است که خداوند متعال آن‌ها را توبیخ کرده و به آن‌ها وعده‌ی عذاب جهنم داده است. توبیخ کردن خدای متعال و وعده‌ی عذابی که برای متخلفین داده شده، حاکی از وجوب جهاد مالی و بدنی است؛ چون بر امر غیر الزامی توبیخ با این شدت صادر نمی‌شود. از طرف دیگر با توجه به اینکه امکان تفکیک بین جهاد بدنی و مالی وجود ندارد، اثبات می‌شود که هر دو قسم از جهاد دارای وجوب هستند.

مرحوم آقای خویی این استدلال را مطرح کرده و دلالت آیه شریفه را پذیرفته‌اند. اما به نظر ما شبهه‌ای قابل طرح است که ممکن است توبیخ و وعده‌ی عذابی که در این آیه مطرح شده، به جهت ترک مجموعه‌ی جهاد مالی و بدنی باشد؛ یعنی کسی که هر دو را با هم ترک کرده باشد، مبتلا به این عذاب الهی گردد، اما اگر یکی از آن‌ها را انجام داده و صرفاً دیگری را ترک کرده باشد، مثل اینکه جهاد بدنی انجام داده و با اموال خود جهاد نکرده باشد، مشمول این توبیخ و عذاب الهی نباشد.

آیه سوم: آیه ۱۱ سوره صف

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

این آیه‌ی شریفه در مقام توصیف مؤمنان، به ایمان آن‌ها به خدای متعال و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و همچنین جهاد آن‌ها با اموال و جان‌هایشان اشاره کرده است. از طرف دیگر جمله خبریه در مقام انشا است و با توجه به اینکه جهاد با مال در کنار جهاد با نفس قرار گرفته که واجب است، وجوب جهاد مالی نیز اثبات می‌شود. مرحوم آقای خویی این آیه را از ادله دالّ بر وجوب جهاد مالی ذکر کرده و هیچ اشاره‌ای به کیفیت دلالت آن نکرده‌اند و ممکن است مقصود ایشان تقریب ذکر شده باشد.

اشکال بر استدلال ذکر شده این است که باید اثبات شود که آیه در صدد بیان خصوص تکالیف الزامی بوده است، در حالی که ممکن است آیه‌ی شریفه در مقام بیان مجموعه‌ای از تکالیف، اعم از وجوبی و استحبابی باشد که در این صورت، حتی اگر اثبات شود که جهاد بدنی دارای وجوب است و این مطلب مسلم باشد، منافاتی نخواهد داشت که جهاد مالی که در کنار آن ذکر شده، مستحب باشد.

علاوه بر آیه ۱۱ سوره صف که در آن به صورت خبری، جهاد با اموال را به عنوان وصفی برای مؤمنین ذکر کرده، آیات دیگری وجود دارد که جهاد کردن مالی را به عنوان وصف ذکر کرده است. در ادامه به تعدادی از این آیات اشاره می‌شود:



جلسه: ۱۰۴
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: منابع مالی حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

- ۱- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۱
- ۲- لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا^۲
- ۳- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۳
- ۴- لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ^۴
- ۵- لَكِنَّ الرَّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۵

تاکنون به تعدادی از آیات اشاره گردید که دلالت فی الجمله آن‌ها بر وجوب جهاد مالی بدون اشکال است و باید ادله‌ای که در قبال این آیات مطرح می‌شود، مورد بررسی قرار گیرند.

۱. البقرة: ۲۱۸.

۲. النساء: ۹۵.

۳. الأنفال: ۷۲.

۴. التوبة: ۴۴.

۵. التوبة: ۸۸.